

## ضرورت جهش از وحدت الهیاتی به الهیات وحدت



با پشت سر گذاشتن هفته وحدت و مشاهده و بررسی برنامه های فرهنگی ای که در رابطه با این اتفاق میمون انجام شد، گفتگویی در مورد این برنامه ها در ایران و خارج از ایران و کیفیت بهره برداری از این اتفاق با حجت الاسلام یحیی جهانگیری، مبلغ بین المللی و کارشناس مسائل جهان اسلام صورت گرفت که مشروح آن را به خوانندگان عزیز تقدیم می کنیم.

اگر ممکن است جایگاه میلاد پیامبر در فرهنگ کشورها و جریانات مختلف مسلمان را تبیین بفرمایید؟ در جغرافیای بزرگ جهان اسلام، در سرتاسر جهان اسلام، از غرب در شاخ آفریقا گرفته تا شرق در مالزی و اندونزی، مولود النبی یک اتفاق مشترک است که میتوان آن را فستیوال بزرگ اسلامی نامید که حتی در مناطق غیرمسلمان مثل زیمبابوه، زامبیا و... در بین مسلمانان شکوه و عظمت خاص خود را دارد. اگر توجه داشته باشید، عاشورا و اربعین و... صرفا برای تشیع است اما مولود النبی در سطح جهان اسلام است که متأسفانه ما نه تنها از این ظرفیت به خوبی استفاده نکردیم بلکه آن را نهادینه هم نکردیم.

منظور شما از اینکه نهادینه نشده چیست؟

ببینید من یک سال در زیمبابوه بودم، دیدم در آنجا چندین روز متوالی مردم جشن میگیرند، غذا

می‌پزند و شعر می‌سرایند و... یعنی در تب و تاب مراسم بودند. مولود النبی در این کشورها چیزی شبیه اربعین اما گسترده‌تر است، اما ما این جشن بزرگ دینی را تبدیل به چند پروژه تکراری کرده ایم و فکر میکنیم در همین حد کافی است، در حالی که اگر نهادینه شده بود به سطوح بالاتر و گسترده‌تری می‌انداختیم.

سایر کشورها چه استفاده‌ای از این ظرفیت کرده‌اند؟

مثلا در اندونزی برای مولودالنبی جشن‌های خاصی می‌گیرند، حبیب‌ها (کسانی که منسوب به پیامبر هستند) نقش خاصی را ایفا میکنند. یا دو سال پیش در مراکش من دیدم که مراسم خیلی سنگینی را گرفته بودند.

جایگاه جریان‌های فکری و فرهنگی در این خصوص را تشریح نمایید؟

در این حین صوفی‌ها نقش جدی‌ای را دارند. طبق آخرین آمار که دانشگاه زیتونه در سال ۲۰۱۹ اعلام کرد، حدود ۸۵۰ میلیون صوفی در دنیا وجود دارد. صوفی‌ها در مولود النبی نقش مهمی دارند و در مقابل، سلفی‌ها و وهابی‌ها نقش منفی‌ای در جهان اسلام بازی می‌کنند.

حال که سلفی‌ها مولود النبی را یک بدعت میدانند و با آن مخالفند پس ما شیعیان باید به مولودالنبی بیشتر بها بدهیم.

سلفی‌ها با جمعیت محدود و با کمک پترودلارها به مخالفت با یک بدنه اجتماعی قوی چون صوفی‌ها برخاسته‌اند که از جمله با عظمت‌ترین مراسم‌شان مولودالنبی است. اکنون در این تقابل خوب است که به جای اثبات اربعین یا امام حسین، مولودالنبی را اثبات کنیم که تمام جهان اسلام آن را قبول دارد.

اینجا باید گفت وقتی سیاست فرهنگی ما در حد و مقیاس بین الملل نباشد ما فقط کلونی خود را میبینیم و مدام در صدد اثبات تشیع هستیم اما به این فکر نمی‌کنیم آیا با این اثبات توانسته ایم جهان اسلام را در تقابل سلفیت فرار دهیم یا خیر؟!

بنابراین مولودالنبی به عنوان یک باور تنیده شده و توانمند در جهان اسلام به خصوص در بین صوفی‌ها، ظرفیت بزرگی است که با استفاده از آن میتوانیم معادلات وهابیت را تغییر دهیم.

از این نکته نباید غافل شد که متأسفانه کنش ما در مقابل وهاب‌ها در چهل سال اخیر کنش مکتوب بوده نه نمادی. کنش نمادی یعنی شما یک نماد را برجسته میکنید که رقیب هم آن را قبول دارد پس نمیتواند آن را حذف کند پس مجبور است با خودش درگیر شود. به عنوان مثال مزار شریف در افغانستان را در نظر بگیرید، جایی که منسوب به امام علی است و خودشان هم میدانند قبر امام علی آنجا نیست و جالب این است که ۹۰٪ زائران هم سنی هستند، حال وهابیت در افغانستان را در نظر بگیرید، ما برای پاتک به آنها همچنان کتاب مینویسیم در حالی که اگر مزار شریف به عنوان نماد زیارت، تبرک جستن و حاجت گرفتن را تقویت کنیم، نجف را خود به خود اثبات کرده ایم! اما متأسفانه ما همیشه فکر میکنیم رقابت ما باید رقابت در حوزه متن باشد، دلیلش هم این است که ما همچنان در ماراتن نمادها و سمبلها ورود نکرده ایم و نمی‌دانیم این ماراتن ابزارهای مختلف دارد.

با توجه به برنامه های هفته وحدت، عملکرد های نهادهای فرهنگی مان را در این زمینه چگونه دیده اید؟

عملکردها دارای ضعف است، مشخص است وقتی نهادهای فرهنگی ما درگیر مسائل جاری خویشند، نمیتوانند کنشگری جدی ای داشته باشند. مادامی که دغدغه نهادهای فرهنگی ما به جای کار کردن، بودجه کارمند هایش باشد؛ عملکرد دچار ضعف است.

نکته دوم، تخصص کارمندان است. به عنوان مثال شما سازمان دیانت در ترکیه را در نظر بگیرید، تمام کارمندان این سازمان به زبان انگلیسی مسلط بوده و ممکن است چند زبان دیگر هم بلد باشند اما در نهادهای فرهنگی ما چند درصد از کارمندان زبان انگلیسی یا عربی را میدانند؟! این مسئله حاکی از آن است که نهادهای فرهنگی ما خود را برای حضور در جبهه جهانی مجهز نکرده است. جدای از زبان خارجی، چند درصد از کارمندان این نهادها یا سایر فرهنگها و اعتقادات آشنایی دارند؟ اصلاً به نظر من کسی که در مجمع تقریب مذاهب کار میکند حداقل باید چند سال از عمرش را در مناطق سنی نشین گذرانده باشد.

وقتی نهادهای ما در مقیاس جهانی نمیتوانند پیشرفت کنند، نتیجه همین است. به عنوان نمونه وحدت را نباید محدود و منحصر به گفتگوهای الهیاتی کرد. الهیات جای مناقشه و اتفاقاً دعوای الهیاتی، نزاع آفرین و مشاجره ساز است. باید وحدت را بین هنرمندان، بین اقتصاددانان و سایر اقشار ایجاد کرد. مثلاً یک کارآفرین شیعه و سنی با هم یک کارگاه تولیدی ایجاد کنند و شیعه و سنی آنجا کار کنند بدون اینکه به عقاید یکدیگر توهین بکنند.

آقا هم در این خصوص جمله ای دارند که میگویند باید درون‌گرای برون‌نگر باشید. یعنی همه بسترهای فرهنگی ما برون‌نگر باشد ولی درونگرا یعنی همه جهان را ببینیم. مثلاً ما برای مولودالنبی چقدر توانسته ایم اناشید بین المللی تولید کنیم؟ چیزی که عرب‌ها می‌طلبند، حبیب‌های اندونزی، اشراف

شمال آفریقا، صوفیان و ... می‌خواهند! اما وقتی انگاره ذهنی ما این باشد که در تهران در فلان مسجد مراسمی را برگزار کنیم این یعنی ما برون‌نگر نیستیم؛ یعنی برنامه های ما در مقیاس جهانی نیست. ضمناً درون‌گرا هم باید باشیم، ما ظرفیت هایی در داخل داریم که شناسایی هم نشده اند مثل نهاد ها و سمن‌های مردم‌گرا. به نظر من حوزه فرهنگ باید از تصدی‌گری دست بردارد و به هدایت و نظارت برسد و اجازه بدهد چه نهادهای ما در بُعد بین‌الملل نقش آفرین باشند.

راهکارهای شما برای رفع این نواقص چیست؟

آقای جوادی آملی فرمودند تا موقعی که در قم نشسته اید و فقط جمکران و حرم را می‌بینید نمی‌توانید در حد جهانی برنامه‌ریزی کنید. بنابراین ما باید ذهن جهانی داشته باشیم. متأسفانه ما فکر می‌کنیم بین‌الملل یعنی ما یک خارجی را مسلمان کنیم! بین‌الملل نه یک بحث فانتزی بلکه ضرورت امروز ماست؛ لذا هرچه در سطح بین‌الملل ضعیف عمل کنیم ضربه‌های آن را از درون خواهیم خورد و در مقابل هرچه در سطح بین‌الملل کنش‌گری قوی‌ای داشته باشیم در داخل هم ثمره آن را میتوانیم ببینیم.

برای برنامه‌ریزی در سطح بین‌الملل ما باید رصد و دیده‌بانی بین‌المللی داشته باشیم یعنی پایشگر بین‌المللی داشته باشیم. مثلاً مداحی را در نظر بگیرید، آیا سبک مداحی در ایران، عراق یا سایر کشورها همانند ۲۰ سال گذشته است؟ مسلم است که با بروز سبک‌های موسیقی مداحی هم تغییراتی داشته است یا در خصوص مولودالنبی این پایشگر باید رصد کند که در کدام کشورها مولودالنبی کمرنگ شده در کجاها بیشتر به آن پرداخته می‌شود و یا آیا مانند سال‌های گذشته همچنان سنتی مانده است؟ اگر دچار انحراف شده است چگونه آنرا غنی‌سازی کنیم؟

در ادامه بعد از دیده‌بانی باید برنامه ریزی‌ای در سطح بین‌الملل داشته باشیم. سپس محصولات فرهنگی و صنایع فرهنگی را در مقیاس بین‌الملل باید تولید کنیم نه صرفاً در حد شیعه که اگر در خارج از کشور یک نفر روی کتابی اسم ایران را دید کتاب را توروک کند نه اینکه بی‌توجه باشد.

جمع بندی شما از این بحث؟

مولودالنبی به عنوان یک فستیوال جهانی می‌تواند جریان‌های اسلامی را به همگرایی برساند. یکی از عناصر همگرایی همین مولودالنبی است، در حالی که در ذهن ما چنین القا شده که عناصر همگرایی قرآن و کعبه هستند در حالی که اینها آموزه هستند اما آنچه که مردم از آن بیشتر تاثیر می‌پذیرند عمل است

نه آموزه. لذا من نقش مولودالنبی را از بسیاری از آموزه ها پررنگ تر می بینم چراکه در حد عملکرد و آیینی است و چیزهایی که آیینی باشند اثربخشی بیشتری دارند؛ چه بسا شما افرادی را دیده باشید که امام حسین را قبول ندارند اما مراسم سینه زنی در عاشورا را شرکت میکنند.

بعد از همگرایی، خاصیت دیگری که در این جریان وجود دارد این است که جلوی تفرقه و جریان های تفرقه افکن همانند وهابیت که مثل خوره به جان جهان اسلام افتاده اند را می گیرد.

منبع: شعوبا